



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Jurisprudential and Legal Investigation of the Transaction of Foreign Goods if There is a Similar Domestic

Mohammad Ghaderifar¹  Abedin Momeni^{*2}, Ali Akbar Ezadifard³, Ali Faghihi⁴

Received:

18 Jan 2021

Revised:

14 Feb 2022

Accepted:

20 Mar 2022

Available Online:

01 Apr 2022

Abstract

Background and Aim: It is obvious that one of the ways to enter a perfect economy is abandoning trade of foreign goods and engaging in domestic goods trade as economic growth, employment, and realization of economic independent all rely on the trade of domestically produced goods. The import of foreign goods will result in widespread unemployment of the youth, brain drain, destruction of important sources of wealth and dependence of income to single products such as crude oil, closure of factories and numerous other economic, political, and cultural problems. The aim of this research is to highlight national threats and dangers in various areas due to lack of emphasis and discipline in economic and political act toward the issue of solutions for domestic products. To this end, trade of foreign goods in the face of availability of domestically produced goods of similar characteristics can be extremely important from a legal and Islamic jurisprudence standpoint.

Materials and Methods: The research method in this research is descriptive-analytical.

Ethical Considerations: In this research, the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Findings: Following the analysis and study of the reasons for prohibition of foreign goods trade in case of the availability of similar domestic products, the government, authorities, and producers are obliged to promote the culture of domestic goods trade.

Conclusion: All Islamic jurisprudence rules point to the prohibition of foreign goods trade in favor of similar domestic goods.

Keywords:

Transactions,
Foreign Goods,
System Disruption,
Culture Building,
Domestic Goods

1 PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2 Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.*

(Corresponding Author) Email: Abedinmomeni@ut.ac.ir Phone: +989123277851

3 Professor, Department of Jurisprudence and Law, Faculty of Humanity, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

4 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Please Cite This Article As: Ghaderifar, M; Momeni, A; Ezadifard, AA & Faghihi, A (2022). "Jurisprudential and Legal Investigation of the Transaction of Foreign Goods if There is a Similar Domestic". *Interdisciplinary Legal Research*, 3 (1): 65-77.



بررسی فقهی و حقوقی معامله کالاهای خارجی در صورت وجود مشابه داخلی

محمد قادری فر^۱، عابدین مؤمنی*^۲، علی اکبر ایزدی فرد^۳، علی فقیهی^۴

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: abedinmomeni@ut.ac.ir

۳. استاد، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

۴. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۸ ویرایش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۱۲

چکیده

زمینه و هدف: قطعاً از راه‌های ورود به عرصه اقتصاد، رها کردن معامله کالاهای خارجی و معامله کالاهای داخلی کشور است، زیرا بهبود وضعیت اقتصاد و اشتغال و تحقق استقلال اقتصادی درگروی معامله کالاهای داخلی است. ورود کالاهای خارجی، بیکاری گسترده جوانان، فرار مغزهای مبتکر و خلاق، از بین رفتن ثروت‌های مهم اولیه و وابستگی درآمد‌های مولد به محصول واحد مثل نفت، تعطیلی کارخانجات و تولیدات داخلی و ده‌ها مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دیگر سبب تخصیص و تقیید این اصل عام اولیه می‌شود. هدف پژوهش برجسته نمودن تهدیدات و خطرات ملی در حوزه‌های مختلف به جهت فقدان توجه کافی و عدم انضباط رفتارهای اقتصادی و سیاسی به مسأله راهکارهای تولیدات داخلی است، تا علمی و عملی در دفع این دسته از آسیب‌های جدی در نظر گرفته شود. بر این اساس، از جهت حقوقی و فقهی معامله کالاهای خارجی در صورت داشتن مشابه داخلی می‌تواند از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی بوده که با شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای با مراجعه به نظرات فقها و حقوقدانان به تدوین داده‌ها پرداخته سپس به استنباط و کشف مجهول منتهی و منتج شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: پس از تحلیل و بررسی ادله عدم جواز معامله کالای خارجی در صورت داشتن نمونه داخلی با توجه به مستندات بر دولت و مسؤولین و تولیدکنندگان نیز واجب است که بر معامله کالای داخلی، فرهنگ سازی و رغبت‌سازی نمایند.

نتیجه‌گیری: هر چند قاعده اولی جواز معامله با خارجیان می‌باشد، اما قلمرو این قاعده در معامله با آنان نسبت به کالاهای مشابه محدود می‌شود و این محدودیت افزون بر نهی شرعی که به واسطه نفی سلطه مستفادات از حیث عقلی و منطقی نیز مورد پسند نمی‌باشد. پس از بررسی ادله حرمت معامله کالاهای خارجی در صورت داشتن نمونه داخلی، می‌توان گفت مقتضای قواعدی چون اعانه بر اثم و حرمت اختلال نظام و نفی سبیل و لاضرر و نیز مستنداتی مثل ادله نهی از منکر و روایت و بنای عقلا و عقل، حرمت معامله کالاهای خارجی در صورت داشتن نمونه داخلی است. باتوجه به این مستندات بر دولت و مسؤولین کشور و تولیدکنندگان نیز واجب است که بر معامله کالاهای داخلی، فرهنگ‌سازی و رغبت‌سازی کنند.

کلمات کلیدی: معامله، کالاهای خارجی، اختلال در نظام، فرهنگ سازی، کالاهای داخلی.

مقدمه

۱- بیان موضوع

بی‌تردید معامله کالاهای خارجی در صورت داشتن مشابه داخلی از مهم‌ترین امور اجتماعی است که نقش تعیین‌کننده در روابط بین‌المللی ایفاء می‌کند. منظور از خارجی در این مقاله جهان غیرمسلمان می‌باشد. اگرچه از حیث عرفی و راه‌مرز شناخته شده، خارجی به حساب می‌آید، اسلام فی‌نفسه از جهت حقوقی و فقهی معامله کالای خارجی را منع نکرده است. گاهی برای ارتقاء دانش، بهره بردن از تجربیات ملل دیگر و نیازهای جامعه اسلامی حکم جواز داده می‌شود و گاهی کالا اسلحه‌ای می‌شود برای جوامع اسلامی جهت به زیرسلطه بردن مسلمانان، ممانعت از گسترش فرهنگ اسلامی، تخریب اسلام، استثمار مسلمانان و ایجاد تفرقه میان مسلمانان است.

بی‌گمان حمایت و افزایش تولید داخلی از جمله فعالیت‌های مهم اقتصاد است. در واقع معامله کالاهای داخلی به عنوان نماد همبستگی و مشارکت فعال مردم در سرنوشت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی خویش می‌باشد. رونق کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، اشتغال و کارآفرینی و در مجموع بهبود وضعیت اقتصاد و اشتغال کشور و تحقیق استقلال اقتصادی، در گروی معامله کالاهای ایرانی توسط مردم است.

یکی از مهم‌ترین راهکارهای پیشگیری از عدم حمایت از تولید داخلی، فرهنگ‌سازی می‌باشد. با کمک کارشناسان حقوقی و فقهی و نظریه‌پردازان علمی و فرهنگی، با این پدیده مبارزه کرد. نقش حقوق‌دانان و فقها در بررسی این پدیده و بیان حکم شرعی آن، برای جامعه تأثیرگذار است. چه بسا همین امر باعث می‌شود به این عمل مبادرت بورزند. بنابراین نحوه و چگونگی حمایت از تولید داخلی در نظر مردم، باید از نظر حقوقی و شرعی بیان شود. در این رابطه به خصوص در مورد تأثیر سوء ورود کالاهای خارجی در صورت مشابه داخلی دارد، سخنرانی‌هایی از سوی رهبر معظم انقلاب

ایراد شد. از این‌رو، نگارنده در این زمینه لازم دید که به تحلیل و بررسی حقوقی و فقهی معامله کالاهای خارجی در صورتی که مشابه داخلی دارد، بپردازد.

۲- روش تحقیق

روش پژوهش به صورت تحلیلی و توصیفی بوده که با شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای با مراجعه به نظرات فقهاء و حقوقدانان به تدوین داده‌ها پرداخته سپس به استنباط و کشف مجهول منتهی و منتج شده است.

بحث و نظر

در بین عقود معین، عقد بیع از جایگاه خاصی در دانش حقوق معاملات برخوردار است. این عقود از همه معاملات مورد استفاده روزمره جوامع انسانی قرار می‌گیرد و به همین جهت مسائل و احکام آن در سیستم‌های حقوقی همانند فقه اسلامی، خیلی گسترده‌تر از مسائل و احکام عقود معین دیگر است. (کاتوزیان، ۱۳۶۶: ۳۴۹)

اهمیت علمی و عملی عقد بیع سبب شده است که در سطح بین‌المللی، کنوانسیون‌های متعددی با هدف نزدیک کردن اندیشه‌های حقوقدانان سیستم‌های حقوقی متفاوت به هم و نیز ایجاد فضای تفاهم هرچه بیشتر و آسان‌تر و گسترده‌تر کردن روابط معاملاتی تصویب گردیده‌است. ضرورت‌های بازرگانی و گسترش روابط معاملاتی در این عقد، زمینه را برای طرح مسائل گوناگون فراهم ساخت. (اسکینی، ۱۳۹۲: ۶۷)

اهمیت ویژه معامله، نویسندگان قانون مدنی و فقهاء را برآن داشته است که نهادهای حقوقی مشترک بین عقد بیع و سایر عقود معین جای دهند. (صفایی، ۱۳۷۹: ۵۸)

۱- معامله

معامله در واقع همان عقد یا قرارداد است و تنها تفکیکی کرده‌اند این است که معامله را در مورد عقود مالی بیشتر به کار می‌برند و برای عقود غیرمالی مانند نکاح به کار نمی‌برند.

حياة طيبة ولنجزيتهم أجرهم بأحسن ما كانوا يعملون» هرکس از مرد یا زن مؤمن کار شایسته‌ای انجام دهد بی‌گمان او را با زندگی پاکي زنده می‌گردانیم و ایشان را به نیکوتر از آنچه کرده‌اند پاداش می‌دهیم. در بررسی دیدگاه لغویان معلوم می‌شود که عمل و فعل دو واژه مترادف نیستند بلکه عمل به فعلی گفته می‌شود که انسان از روی فکر و تأمل انجام می‌دهد بنابراین این معنایی اخصّ از فعل داشته و زیرمجموعه فعل است و از همین رو فعل گاهی به جمادات نیز نسبت داده می‌شود.

در فقه تعریف معامله و بیان چستی آن مستقیماً محل عنایت فقیهان قرار نگرفته است و حتی کتب فرهنگ اصطلاحات فقهی که امروز نگاشته شده و درحقیقت بیان اصطلاحات فقهی وظیفه اصلی آنها بوده است، نیز از این مهم غفلت کرده و در بیشتر این کتب از طرح واژه معامله نیز دریغ شده است.

۱-۱- انواع معامله

عقود در قانون مدنی دو نوع کلی تقسیم می‌شوند: عقود معین و عقود غیرمعین. عقودمعین، قراردادهایی هستند که قانون، نام خاصی بر آنها گذاشته و شرایط و احکام ویژه‌ای برای آنها مقرر داشته است. مانند بیع، اجاره، ضمان، ودیعه، عاریه و یمه. عقود غیرمعین، قراردادهایی هستند که نام و شرایط خاصی در قانون برای آنها نیست لیکن نظر به اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها، معتبر شناخته می‌شوند. مانند قرارداد چاپ یا تألیف کتاب، قرارداد تدریس در مؤسسه آموزشی، قولنامه. (شهیدی، ۱۳۹۱: ۱۴)

بنابراین تعریف معامله و اقسام آن بیشتر در خلال تقسیم ابواب فقه و تعاریفی که در ضمن این ابواب گنجد است پیدا می‌شود. درآمد بررسی این مجموعه با دو رویکرد متفاوت تشکیل دو شکل جداگانه برای معامله است که آن را به معامله به معنای اعم و معامله به معنای خاص یا اخصّ تقسیم کرده است:

معامله یا عقد طبق ماده ۱۸۳ قانون مدنی عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد. اثر عقد علاوه بر ایجاد تعهد ممکن است تملیک مال، اسقاط تعهد، اباحه، اتحاد و شرکت و ایجاد شخصیت حقوقی و ایجاد زوجیت باشد. در واقع عقدی که اثر غیرمالی باشد را نمی‌توان معامله نامید و معامله را بیشتر در باب خرید و فروش اموال مطرح می‌کنند. عقد بیع از جایگاه خاصی در علم حقوق معاملات برخوردار است. بیع عنوان عقد معینی است که در زبان فارسی به آن خریدوفروش می‌گویند. بیع واژه‌ای عربی و انتخاب آن در قانون مدنی متأثر از کتب فقهی بوده است. مطابق ماده ۳۳۸ قانون مدنی بیع عبارت است از تملیک عین معین به عوض معلوم. با توجه به عناصری که در تعریف عقد بیع ذکر شده، می‌توان به خوبی دریافت که لازم است مبیع اما در اصطلاح «معامله اصطلاحی است در برابر عبادت، و می‌توان در تعریف آن گفت: معامله عملی است که انجام آن محتاج به قصد قربت نباشد.» (صفایی، ۱۳۷۷: ۲۳)

معامله با این تعریف معنایی وسیع پیدا کرد و هر عمل غیرعبادی را می‌توان معامله نمود. اما در علم اصول معامله صرفاً شامل عقود و ایقاعات می‌شود و به علاوه امور دیگر را نیز فرا می‌گیرد، مثلاً نکاح، طلاق، رد امانات، رد مال مغضوب و مضمون، عمل به وصیت، تقسیم ترکه، افراز مال مشترک و چیزهای دیگر که عبادت نمی‌باشند همه در اصطلاح اصول فقه معامله نامیده می‌شوند. (امامی، ۱۳۸۲: ۱۵۹)

از مجموع نوشتار بالا می‌توان گفت مراد از معاملات کلیه عقود و ایقاعات می‌باشد و مقصود نگارنده نیز همین معنا می‌باشد.

معامله، عمل در لغت کار، کوشش و خدمت را گویند (صفی‌پور، ۱۳۹۶: ۲۵۷) و در نگارشی دقیق‌تر به کاری که از روی قصد و نیت انجام گیرد تعریف شده است. در قرآن کریم آمده است: «مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ نِسَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ

مانعی برای معامله شکل می‌گیرد که همه «اعمال حقوقی دوجانبه» را شامل می‌شود.

مانعیت تعریف به خروج احکام است که بر اساس آن مباحثی چون حدود، دیات، ارث و غیره که هیچ نظارتی به روابط طرفینی ندارد خارج می‌شود و جامعیت، از آن جهت است که هر عملکرد و تعامل طرفینی را دربر می‌گیرد خواه قصد و اراده‌ی ملحوظ در معنی لغوی عمل از هر دو طرف اعمال شود و مفهوم عقد را شکل دهد یا آنکه قصد و اراده از یک طرف اعمال شده و به صورت قهری به طرف دیگر سرایت کند و مفهوم ایقاع شکل گیرد. لذا همه عقود چون بیع و اجاره و رهن و غیره و تمام ایقاعات چون وصایت، طلاق، ابراء و غیره در دامنه این تعریف قرار می‌گیرد.

این تقسیم شایع‌ترین سبک پذیرفته شده توسط فقها و حقوقدانان اسلامی پس از محقق حلی شد و حتی شهید اول که به معنای نخست معامله عدول کرده است نیز به انحصار احکام شرعی در عبادات، عقود و ایقاعات و احکام معتقد است. (شهید اول، ۱۳۸۴: ۳۰)

۲-۲- خارجی

منظور از «خارجی» در عنوان رساله اطلاق داشته و شامل هر کشور غیرایرانی می‌شود. خارجی در حقوق بین‌الملل فعلی، ماوراء مرز یک کشور را شامل می‌شود اعم از آن که مسلمان باشند یا غیرمسلمان. اما در حقوق بین‌الملل همه امت اسلامی یک ملت هستند و ملل غیرمسلمان امت متفرق هستند. بنابراین روابط ایران به عنوان کشور اسلامی متناسب با مصلحت ملی، مذهبی و دینی در چارچوب اقتضائات مناسب ملاحظه می‌شود که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- کشورهای همسایه و غیر همسایه؛
- کشور قدرتمند و ضعیف؛
- کشور بزرگ و کوچک؛
- کشوری که دوست است یا دشمن یا بی‌تفاوت؛
- کشوری که تعامل در حوزه مختلف دارد یا ندارد؛

۱-۱-۱- معامله به معنای اعم

در برخی از متون فقه ابواب فقه به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم شده و با توجه به آنکه قصد قربت رکن اصلی عبادات است در تعریف ناشی از این تقسیم «معامله هر عملی است که بی نیاز از قصد قربت باشد» قدیمی‌ترین طرح این تقسیم به کتاب المراسم العلویه نگاشته سلاربن عبدالعزیز، (در گذشته به سال ۴۴۸ ه.ق) بر می‌گردد. (سلار، ۱۴۰۱: ۲۸)

بر این اساس احکام نیز در زمره معاملات قرار می‌گیرند که البته از نظر سلار، این احکام خود به دو بخش احکام جزایی و سایر احکام تقسیم می‌پذیرند. در این رویکرد «معامله» معنایی اعم از عملکرد طرفینی حداقل دو شخص یا دو گروه را دارد. شهید اول نیز در کتاب القواعد و الفوائد بر مبنایی شبیه به همین مضمون احکام شرعی را به عبادات و معاملات تقسیم می‌کند که پیامد آن پذیرش معنای اعم معامله است. به عقیده شهید اهداف اصلی از افعال باید مبنای تقسیم قرار گیرد و آن عمل که هدف اصلی از آن آخرت باشد عبادات نامیده شده و هر عمل که هدف اصلی از آن دنیا باشد معامله است. (شهید اول، ۱۳۶۳: ۳۴)

۱-۱-۲- معامله به معنای خاص یا اخص

پیش از دو سده پس از سلار، محقق حلی (در گذشته به سال ۶۷۶ ه.ق) طرح او را بازنگری کرده و کتاب معروف خود «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» را بر چهار بخش «عبادات، عقود، ایقاعات و احکام» استوار کرد. (محقق حلی، ۱۹۱۶: ۱۳۵) وی با بیرون کشیدن احکام از دامنه معاملات با وجود آنکه هرگز در مقام تقسیم نامی از معامله نبرده است، بهترین محمل برای پیدایش تعریف معامله به معنای خاص را پدید آورده است.

در این قسم تقسیم اولاً علاوه بر معاملات قسیم دیگری برای عبادات پدید آمده که احکام نام گرفته است و ثانیاً به جای معاملات از اقسام تشکیل دهنده آن یعنی عقود و ایقاعات یاد می‌شود و بر این اساس، خودبه‌خود تعریف جامع و

- کشوری که از حیث نظامی در حال جنگ است یا جنگ نیست؛ و
- کشور مسلمان یا غیر مسلمان.

۳- مستندات ادله جواز معامله کالاهای خارجی

با توجه به مبنای اصولی، اصل اولی جواز معاملات با کافر است مگر خلافش ثابت شود؛ به بیان دیگر مجاز بودن معاملات با کافر با رویکرد اصول شیعی سازگاری دارد و در واقع حکم واقعی اولی نیز همین است، به دیگر سخن معاملات با کفار با لحاظ اطلاق ادله و فقدان قید و قرینه خاص برخلاف آن امری جایز است.

احکام فقهی است که در پاره‌ای از حالات مثل اطلاق مباح و جایزند اما در حالات دیگر همچون مقید ناروا باشند.

آنچه را که می‌توان به عنوان ادله در پشتیبانی از اصل یاد شده یاد کرد موارد ذیل است که به آنها اشاره می‌شود:

۳-۱- اطلاق آیات معامله کالای خارجی

از جستجو و تحقیق در آیات این نکته مستفاد است که آیاتی که ناظر بر معاملات می‌باشند در خصوص آنکه آیا ضروری است که معامله صرفاً بین دو مسلمان واقع شود یا خیر؟ چیزی که از ظاهر آیات دریافت می‌شود مطلق بودن متعاقدين است و می‌توان ادعا کرد اطلاق آیات مذکور شامل مسلمان و غیرمسلمان نیز می‌شود و انصراف آن هم به صنف مسلمان بلاوجه می‌باشد مگر در صورت شرایط خاص که به زودی در مورد آن هم بحث خواهیم کرد.

آیات مورد استناد عبارتند از:

۳-۱-۱- آیه تجارت

«یا ایها الذین آمنوا لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض منکم...» (النساء / ۲۹)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آوردید اموالتان را که از راه باطل به‌دست آمده است نخورید (مصرف نکنید) مگر آنکه تجارتی از روی رضایت میان شما انجام یابد.

شاهد مثال نگارنده عبارت شریف «... الا ان تکون تجاره عن تراض...» می‌باشد، آیه در مقام بیان این نکته است که اموالتان را از راه غیر شرعی همچون غصب و سرقت و خیانت و عقود فاسده و... به‌دست نیاورید (فاضل مقداد، ۱۳۸۴: ۳۹۷) بلکه از راه تجارت (شرعی) به‌دست آورید و شرط در تجارت آن است که هر دو طرف عقد به آن راضی باشند.

آنچه می‌توان در جهت اثبات ما نحن فیه گفت اصلاً اشاره به جنس و سن و دین و ایمان متعاقدين نشد با توجه به آنکه مقتضای ذکر قیود موجود بود اما علیرغم آن به نحو مطلق بیان نمود.

۳-۱-۲- آیه حلیت بیع

«الذین یاکلون الربا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل الربا و احل الله البیع و حرم الربا...» (البقره / ۲۷۵)

مورد استناد عبارت «احل الله البیع و حرم الربا...» می‌باشد. در این آیه همچون آیه پیش‌گفته قید و خصوصیتی در مورد این که متعاقدين چه کسانی باشند وجود ندارند و این آیه از حیث مسلمان و غیرمسلمان بودن توسط آیات و روایات دیگر تخصیص و تقیید نخورده است و اتفاقاً روایاتی وجود دارد که اصل جواز را معاضدت می‌نماید.

و در موردی که تخصیص خورده است خدشه‌ای به اصل جواز معاملات با کافر نمی‌زند؛ دلیل این امر آن است که آن تخصیص یا تقیید خود در صورت وجود شرایطی است که سبب ناروا بودن معامله است که در فراز بعدی بحث آن خواهد آمد.

۳-۱-۳- روایات

در وسایل الشیعه در باب مزارعه روایاتی وجود دارد که ظهور در جواز معامله با کافر می‌باشد که از آن جمله:

«سماعه گوید: از امام (ع) پرسیدم: آیا مسلمان می‌تواند با مشرک مزارعه کند، به این نحو که بذر و گاو از مسلمان و زمین از مشرک باشد، امام (ع) فرمودند: مانعی ندارد» (حر عاملی، ۱۳۹۶: ۲۰۴)

شود باید این شرکت‌ها یا دولت‌ها روابط تجاری منعقد نماید تا از فرصت به دست آمده الگوبرداری کند تا دستگاه‌ها و سیستم‌های مشابه آن بسازد که از قافله توسعه عقب نماند، به همین نسبت در سایر بخش‌ها مثل بخش دارویی، تکنولوژی‌های پزشکی، شهرسازی، کارخانه‌سازی و... پس عقل اقتضاء می‌کند که با جوامع توسعه‌یافته اعم از آنکه مسلمانند یا غیرمسلمان باید تعامل سودمندانه همه جانبه داشته باشد از جمله تعامل تجاری و اقتصادی.

حال اگر تعامل با کشورهای پیشرفته غیرمسلمان کاملاً حرام باشد تهدید بسیار جدی عقب‌ماندگی را به همراه دارد و موجب ضعف کشور مسلمان می‌شود در حالی که ضعف جامعه اسلامی مرضی حق نیست و این رفتار اصولاً عاقلانه و منطقی نیست از این‌رو باید تعامل با این گونه کشورهای مجاز باشد هرچند می‌توان این دسته از تعاملات را به نفع جامعه اسلامی ضابطه‌مند کرد. خلاصه آنکه عقلاً جواز معاملات کالاهای خارجی می‌باشد و در نتیجه حکم عقل برجواز است تا زمانی که منجر به لطمه اقتصادی و خلاف مصلحت نباشد.

از مجموع آنچه گفته شد این نکته به دست می‌آید که اگر قید اسلام و کفر مدخلیت داشت قطعاً فقها بیان می‌کردند و به هر روی مقتضی موجود و مانع مفقود بود پس در هر جا به این قید اشاره نکرده‌اند فهمیده می‌شود که معامله با کافر جایز می‌باشد مگر در موارد خاص و جایی که فقها تصریح کرده‌اند که عامل یا متعامل باید مسلمان باشد. از این‌رو می‌شود ادعا کرد اصل معامله با کافر جایز می‌باشد. حال سؤال این است که آیا قاعده و اصل جواز معامله با کافر مطلق است یا مقید؟ به بیان دیگر آیا اصل مزبور تخصیص خورده است یا خیر؟

۴- مستندات ادله عدم جواز معامله کالاهای خارجی

تا کنون بر آن شدیم که بگوییم که معامله با کافر تحت ادله جواز قرار می‌گیرد. حال می‌خواهیم بدانیم آیا ممکن است به

در بحار آمده: امام صادق (ع) از امام علی (ع) نقل نموده که حضرت علی (ع) با شخصی یهودی عقد نموده «در قالب اجاره اشخاص، که نخلستانی را آبیاری نماید در مقابل هر دلو خرمایی.» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۸، ۳۰۶)

در روایت دیگر از وسائل الشیعه آمده: «از علی (ع) روایت شده است که ایشان مشارکت با یهودیان، نصارا و مجسویان را کراهت داشت مگر آنکه هنگام داد و ستد مسلمان حاضر باشد.» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۱۷۶)

لازم است خاطر نشان شود که مراد از نهی مزبور حرمت نیست بلکه کراهت است دلیل آن را رعایت نکردن کافر نسبت به شرایط معامله است.

۳-۴- عقل

می‌دانیم که انسان موجودی است اجتماعی و مدنی‌الطبع و این اجتماعی بودن انسان ناشی از نیازها و ضرورت‌ها است؛ افراد انسانی به دلیل آنکه خود به تنهایی قادر به رفع همه احتیاجات خویش نیستند، لاجرم باید در تعامل با هموعان خویش بتوانند مشکلات خود را حل نمایند، در واقع چرخه اجتماعی جامعه انسانی کاملاً باهم مرتبط هستند.

از سوی دیگر این تعاملات سبب رشد یافتگی، توسعه‌مندی و تمدن‌سازی ملت‌ها می‌شود که به صورت طبیعی انفکاک از این چرخه غیرممکن است اگر چه از حیث پیشرفت‌های ملت‌ها دارای درجاتی هستند، برخی از کشورها توسعه‌مندتر و برخی دیگر عقب‌مانده‌ترند اما این به معنای جدایی از چرخه و گردش اجتماعی نیست بلکه در انطباق، گوی سبقت را نرانده است.

از این‌رو برای روز آمد بودن و این که همواره در خط مقدم توسعه حضور داشته باشند، بخشی از آن مربوط به ارتباطات بین‌المللی و پیوند با همه دولت‌ها و ملت‌ها می‌باشد. به عنوان مثال کشوری در حوزه طراحی صنعتی یا مدل‌سازی جدید نمونه هست؛ منطقی آن است که اگر خواسته شود در خصوص طراحی صنعتی و یا غیره صاحب فن‌آوری

انصاری، ۱۴۲۵: ۱۵۸) و نیز در باب بیع السلاح لاعداء الدین همین دلیل به عنوان مبنا پذیرفته شده است. همه این‌ها گویای آن است که با این آیه اطلاق اصل اولیه جواز با قید نفی سلطه کافر مقید شده است، یعنی معامله با کافر جایز است مگر سبب تسلط آنان شود که در این صورت جایز نیست.

۴-۲- قاعده «اعانه برائتم»

قاعده اعانه بر اثم از جمله قواعد مشهور و مهمی است که فقها در حکم شرعی مسائل مختلفی به آن استناد کردند. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۳۶۵) از جمله مستندات این قاعده می‌توان به آیه مبارکه «تعاونوا علی البرّ و التقوی و لاتعاونوا علی الإثم و العداون» استناد نمود: «مؤمنان باید بر نیکی و پرهیزکاری یکدیگر را یاری رسانند و از همکاری بر گناه و دشمنی پرهیزند.» هرآنچه طاعت الهی شمرده شود، نیکی است و ستم از موارد گناه و دشمنی با خدا و مؤمنان به شمار می‌رود. (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۹)

بازار اسلامی جایگاه همکاری جهت تحقق نیکی و کمک به سالم‌سازی و دوری از سوء استفاده از موقعیت‌های بحرانی است. همکاری در تشکیل کارتل و تراست به منظور کنترل قیمت و ظلم بر مصرف کننده از موارد همکاری بر گناه و دشمنی است. از سوی دیگر، همکاری نیروی کار در تشکیل اتحادیه جهت حمایت از حقوق خود از نوع تعاون بر نیکی است، ولی همکاری آنها نباید باعث وقوع خسارت به اموال کارفرما شود، براساس این اصل می‌توان عملکرد شرکت‌های تعاونی را در جهت بهبود قیمت‌های بازار و توزیع سود بین نیروی کار تصحیح کرد.

کارهای مباح و حلالی که وسیله انجام عملی حرام قرار گیرد، حرام و ممنوع است، مانند فروش انگور به کسی که با آن شراب درست می‌کند، اجاره دادن منزل به کسی که در آن عمل نامشروع انجام می‌دهد و فروش سلاح به کسی که مرتکب جرم آدم‌کشی می‌شود. فروش سلاح به کافران یا

دلیل مفاسدی که احتمالاً بر آن مترتب می‌شود، معامله مذکور تحت ادله حرمت قرار گیرد یا خیر؟ و چند اصل اولی جواز معامله می‌باشد، لکن این اصل بنا به دلایلی تخصیص می‌خورد که آن دلایل عبارتند از: قاعده نفی سبیل، قاعده حرمت اعانه برائتم، قاعده حرمت اختلال نظام، قاعده لاضرر، و دلیل عقلی.

۴-۱- آیه نفی سبیل

مطابق با قاعده نفی سبیل، هر عملی که موجب سلطه بیگانگان بر مسلمان شود، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی جایز نیست، بلکه حرام و غیرمشروع بوده و مبارزه با آن واجب است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۸۸) این قاعده مورد اتفاق جمیع فقهای امامیه قرار گرفته است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۹۱)

آیه مشهور مورد استناد فقها این آیه است که فرموده: «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» (النساء/۱۴۱)، یعنی خداوند هرگز کافران را بر مومنان تسلطی نداده است.

آنچه از ظاهر آیه فهمیده می‌شود آن است که شارع مقدس به مومنان اجازه نداده است کاری کنند که سبب تسلط کفار بر مؤمنین را فراهم سازد و به هیچ وجه راضی به حکومت و مسلط شدن کافران نیست، از این رو هر اقدامی که ثمره آن سیادت و سلطه کفر و ذلت و موهون شدن مومن گردد یک امر ناپسند می‌باشد، لذا بخشی از استقلال، سیادت و سروری اسلام در تنظیم روابط با کفار می‌باشد که من جمله آن تعامل اقتصادی و فرهنگی و غیره است. از این رو این آیه به عنوان دلیل معتبر مبنای بسیاری از فتاوی فقیهان می‌باشد که به چند نمونه از آن اشاره می‌شود:

امام خمینی (ره) فرمودند: «هر گونه معامله با کفار سبب تسلط آنان شود آن معامله باطل و حرام خواهد بود.» همینطور دلیل عدم جواز اجیر شدن مسلمان برای کارهای پست کافران آیه نفی سلطه می‌باشد. از این نمونه‌ها در مکاسب شیخ انصاری در موضوعات رهن، وقف، اجاره و... یافت می‌شود. (شیخ

کمک به دشمنان و ترویج صدها مفسد داخلی می‌شود، قطعاً خرید داخلی لازم خواهد بود.

۳-۴- قاعده حرمت اختلال نظام

با توجه به این قاعده که از مسلمات فقه است، هر امری که باعث ایجاد خلل در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جامعه شود، به‌طوری که جامعه دچار هرج و مرج و گرفتار بحران و عسر و حرج شود، حرام است. (انصاری، ۱۴۱۶: ۷۲۰؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۲: ۵۱۰) با توجه به دلایل بسیاری که بر ضرورت حفظ و حراست از نظام اسلامی وجود دارد (سبحانی، ۱۴۲۳: ۴۲۹) محقق نائینی با استناد به عدم رضای شارع مقدس به اختلال نظام، حفظ و نظم مملکت اسلامی را مهمتر از حسبه و از اوضح قطعیات و اهم جمیع تکالیف دانسته است. اصلی‌ترین دلیلی که می‌توان بر این قاعده اقامه کرد، دلیل عقلی است؛ زیرا احکام عقلی در محدوده مستقلات عقلی نافذ می‌باشند. با حفظ این مطلب، عقل عملی انسان مستقلاً می‌فهمد که اختلال نظام و معیشت عمومی مردم، امر قبیحی است و به تبع آن می‌توان با ضمیمه قانون ملازمه بین حکم عقل و شرع، حرمت شرعی نیز ثابت کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۶) علاوه بر عقل، شواهد نقلیه نیز بر اثبات این قاعده وجود دارد، از جمله این شواهد، آیاتی است که دلالت بر نهی از فساد می‌کنند. (بقره/۶۰؛ اعراف/۷۴؛ مائده/۶۴؛ قصص: ۷۷) زیرا چون اختلال به نظام از مصادیق فساد شمرده شده است، می‌تواند مشمول این آیات قرارگیرد. از جمله آسیب‌های جدی که معامله کالای خارجی می‌تواند بر اقتصاد ملی برجای گذارد؛ به‌طوری که هریک از آنها می‌توانند منشأ آثار مخرب دیگری نیز باشند و در مجموع منجر به اختلال نظام گردند، عبارتند از: ۱- خرید کالای خارجی توسط مصرف‌کنندگان داخلی باعث خروج ارز بیشتری از کشور شود. ۲- کاهش فروش کالای داخلی سبب محدودشدن مؤسسات صنعتی داخلی می‌شود. ۳- گرایش مصرف‌کنندگان به سمت کالاهای خارجی، سرمایه‌گذاری در

دشمنان دین، یکی از موضوعاتی است که فقها در مباحث مکاسب محرمه بدان می‌پردازند. آرای بسیاری در این باب وجود دارد. برخی هشت رأی ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

- حرام بودن فروش سلاح به کافران در حال جنگ و صلح مطلق؛ و

- حرام بودن فروش سلاح در حال جنگ و جواز فروش در حال صلح و سازش.

این امر، مسأله‌ای سیاسی است و تابع رأی دولت و حکومت است. (ایروانی، ۱۳۸۴: ۱۰)

نظر نخست را برخی از فقیهان چون شهید ثانی و گروهی از فقیهان معاصر چون خویی، رأی دوم را شیخ انصاری در مکاسب آن را تقویت کرده است. (شیخ انصاری، ۱۴۲۵: ۱۵۳) نظر سوم را امام خمینی^(۵) ابراز داشته است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ۷۰) اهل سنت از این مطلب تحت عنوان قاعده «سد ذرایع» نام می‌برد، درحالی که امامیه آن را در ذیل عنوان «تعاون بر اثم و عدوان» مطرح می‌کند.

«تعاون» از نظر لغوی به معنی همیاری و مساعدت به نحو زمینه‌سازی انجام فعلی توسط فردی دیگر است. البته تعاون به این معنا نیست که دو نفر دست به دست هم بدهند تا کاری انجام دهند، بلکه تعاون یعنی کاری توسط شخص دیگری صورت بگیرد و فرد دیگری نیز به او کمک کند. مثلاً کشاورزی به کسی انگور می‌فروشد که می‌خواهد شراب درست کند؛ این عمل تعاون بر اثم گفته می‌شود. یعنی با اینکه کشاورز شراب درست نکرده و انگور فروخته، اما چون می‌داند آن فرد با انگور شراب درست می‌کند این معامله حرام و باطل است.

آیه مبارکه «تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الایم و العدوان» است که باتوجه به این آیه در شرایطی که خرید کالای بیگانگان موجب بیکاری جوانان ایرانی و افت تولید داخلی و یا تعطیلی کارخانجات شود، چون چنین خریدی

ادعا کرد که این قاعده در زمره مستقالات عقلیه قرار گرفته و عقل انسان بدون حکم شرع به آنها می‌رسد.

۴-۵- دلیل عقلی

عقل در میان فقهای شیعه از جمله حجج الهی شمرده می‌شود و آیات فروان (آل عمران/۷؛ یوسف/۱۲) و روایات بسیاری (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰) در شأن و اهمیت به‌سزای آن وارد شده است. اگرچه به اقتضای عقل تعامل در حوزه‌های مختلف در سطح بین‌المللی یک امر پسندیده است و البته گریزی هم از آن نیست، لکن گستره و شیوع معامله ممکن است تهدیدات و آسیب‌های جدی را به همراه داشته باشد که از سوی عقل این مفسده مورد تأیید نیست. از این رو جهت دفع مفسده تعامل را باید ضابطه‌مند نمود و در هر موضعی نفعی غالب باشد باید آن را برگزید.

با این وصف می‌خواهیم بررسی کنیم چه مفاسدی ممکن است مترتب شود که قدرت مقابله با اصل جواز را داشته باشد. می‌دانیم که خرید و فروش جزئی از معاملات و شاید در سطح دولت‌ها و شرکت‌ها مصداق رایج معاملات باشد، طبیعتاً به اعتبار روابطی که حاصل می‌شود، عوضین داد و ستد می‌شوند؛ بخشی از سرمایه و ثروت از کشور خارج و بخشی دیگر وارد می‌شوند. این دسته از تعاملات آثار و پیامد مثبت و منفی را به همراه دارد که در حوزه‌های مختلف اجتماعی اثر بخش است، در حوزه حقوقی تملیک و تملک حاصل می‌شود؛ در حوزه فرهنگی مدل‌های ملی و مذهبی صادر می‌شود و قبال آن مدل‌های غریب و جدید وارد کشور می‌شود و در حوزه سیاسی تحرک و پویایی و یا انفعال و انعطاف تحقق می‌یابد اما آنچه از نظر نگارنده بنای بررسی آن وجود دارد آثار و پیامدهای منفی اقتصادی است که بر جامعه و کشور تحمیل می‌شود و همین امر سبب می‌شود تا دامنه شمول حکم و موضوع اصل جواز محدود گردد.

بدیهی است بخشی از رشد و توسعه هر جامعه منوط به بالندگی و استقلال اقتصادی و پویایی تجاری آن می‌باشد،

زمینه تولید را کاهش می‌دهد و گرایش به واردات را بیشتر می‌کند. ۴- نخریدن کالاهای داخلی موجب ورشکسته شدن و تعطیلی مؤسسات تولیدی داخلی و در نتیجه افزایش نرخ بیکاری در کشور خواهد شد. ۵- کاهش خرید کالاهای ایرانی باعث می‌شود تولیدکنندگان داخلی اعتماد به نفس و انگیزه خود را برای تلاش در راه بهبود کیفیت و نوآوری از دست بدهند و توان رقابتی کاهش یابد.

۴-۴- قاعده لاضرر

یکی از قواعد معروف فقهی که در مباحث مختلف فقه و حقوق آثار فراوانی به همراه دارد، قاعده لاضرر است. اهمیت قاعده لاضرر به عنوان یکی از قواعد اساسی و بنیادین به‌اندازه‌ای است که در اغلب ابواب فقهی از عبادات گرفته تا معاملات مورد استناد و استفاده قرار می‌گیرد.

رسول الله (ص) می‌فرماید «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» به این مفهوم که هرگونه عملی که موجب وارد آوردن ضرر، زیان و خسارتی در جسم، شخصیت، مال یا موقعیت کسی شود که شرعاً شوون او محترم است، ممنوع می‌باشد. (محقق داماد، ۱۳۹۱: ۱۶۲)

مفاد جمله لاضرر و لاضرر چیست؟ فقهای عظام پنج وجه مهم را ذکر کرده‌اند. (بجنوردی، ۱۴۲۶: ۱۸۲) بررسی مستندات این قاعده بسیار طولانی است و تجزیه و تحلیل آنها خارج از حوصله و ظرفیت این مقاله است. ولی در مجموع از نظر مستند و دلیل، قاعده لاضرر دارای پشتوانه قوی و محکمی از کتاب (بقره/۲۳۳؛ نساء/ ۱۲) و سنت (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۰) دارا می‌باشد و روایات در این زمینه به‌اندازه‌ای فراوانند که فخرالمحققین حلی در ایضاح الفوائد (فخرالمحققین، ۱۳۷۸: ۴۸) ادعای تواتر کرده است. البته خاستگاه این قاعده مهم فقهی، عقل و سیره عقلا است و در کتاب و سنت بر آن نیز تأکید شده است. (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۲۰۷) با توجه به اینکه دلایل عقلی محکمی بر این قاعده وجود دارد، می‌توان

- تولید کنندگان داخلی از حمایت‌های مادی و معنوی دولت برخوردار گردند تا قدرت افزایش مرغوبیت کالا را بیابند و از سوی دیگر با قیمت ارزان‌تر از کالاهای مشابه خارجی عرضه کنند.

- نهادهای فرهنگی از جمله صدا و سیما و آموزش و پرورش و غیره تلاش نمایند که مبلغ کالاهای داخلی باشند و به نوعی حمایت ملی را تحریک نمایند و در هر فرصتی مزایا و معایب خرید و فروش کالاهای داخلی و خارجی را از حیث اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره تذکر دهند به گونه‌ای که در نهاد مردم نهادینه شود و مردم خود به استقبال کالاهای داخلی بروند و آن را تبلیغ نمایند.

- در مقابل ورود کالاهای قاچاق سخت مبارزه از سوی دولت صورت گیرد و چنانچه این کالاها موفق شدند در بازارهای داخلی شرکت نمایند مردم به واسطه فرهنگ‌سازی که باید توسط متولیان نهادهای فرهنگی اتفاق بیفتد آن کالاها را نخرند.

- وجوب فرهنگ‌سازی و رغبت‌سازی دولت و مسئولین و تولیدکنندگان بر خرید و فروش کالای داخلی اقدام کنند.

- معامله کالای خارجی در صورتی که مشابه داخلی داشته باشد، با توجه به مستندات چون قاعده نفی سبیل، قاعده اعانه برائت و غیره و بنای عقلا و عقل جایز نیست.

- در صورتی داشتن آثار مثبت مجازات، برای تولیدکنندگانی که اتقان در کار نداشته و یا کالای بی کیفیت تولید می‌کنند مجازاتی را در نظر بگیرند.

- دولت باید مشوقاتی را در جهت خرید و فروش و افزایش کمی و کیفی کالای داخلی در نظر بگیرد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

بالنگی و رشد اقتصادی وابسته به تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به تولیدات خارجی می‌باشد. توسعه تولیدات داخلی با خریدن کالاهای مشابه خارجی ناسازگار است، از این رو لازمه رشد در این حوزه و حفظ قدرت رقابت مبارزه نمودن با خرید کالاهای موازی خارجی است. حال اگر قائل به جواز معامله با این خصوصیت شویم، طبعاً دارای پیامدها و آثار اقتصادی منفی می‌شویم توضیح آن که:

مقدمه اول، اصل اولی جواز معامله با غیرمسلمان است. مقدمه دوم، اطلاق جواز مذکور مفسد عظیم قطعی به همراه دارد.

پس اصل اولی جواز مقید می‌شود به مواردی که سودمند است و شامل ضرر نمی‌شود.

مقدمه اول را که بیشتر به اثبات رساندیم اما مقدمه دوم که اشاره شد اطلاق معاملات مفسد زیادی را متعاقب خویش دارد با این استدلال اثبات می‌شود.

نتیجه‌گیری

برآیند مطالعه در مورد قاعده و اصل تعامل با کافر از نظر منابع اسلامی اعم از کتاب و سنت و عقل جواز می‌باشد، اما این جواز محدودیت‌های جدی دارد، در واقع لسان شریعت نیازمندی‌ها و ضرورت‌ها اقتضای تعامل دو سویه دارد ولی از آن جایی که مفسده‌های قطعی به همراه دارد و جامعه اسلامی را هم از درون و هم از بیرون از هر جهت دلیل و ضعیف می‌کند و کشورهای سلطه‌گر را مسلط بر منابع اولیه می‌نماید، به نظر می‌رسد نمی‌توان قائل شد که اصل مذکور توسعه و اطلاق دارد از این رو اصل جواز تا جایی حکومت دارد وارد قلمرو مفسد نشود.

با توجه به آنچه گفته شد، نتایج ذیل حاصل می‌شود که به نظر نگارنده چند پیشنهاد قابل توجه است:

- دولت اسلامی با اعمال قوانین سختگیرانه و محدود کننده مانع ورود کالاهای خارجی موازی و مشابه داخلی گردد.

سهام نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده نخست و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط سایر نویسندگان این مقاله صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.



- منابع و مأخذ**
- امامی، سید حسن (۱۳۳۵). حقوق مدنی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسکینی، ربیعا (۱۳۹۲). حقوق تجارت. تهران: نشر سمت.
- ایروانی، جواد (۱۳۸۴). اخلاق اقتصادی از دیدگاه قرآن و حدیث. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۵). کتاب المکاسب. با اعداد لجنه تحقیق تراث الشیخ الاعظم، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- بجنوردی، محمدحسن (۱۴۲۶). القواعد الفقیهیه. با تحقیق مهریزی و درایتی، قم: نشر الهادی.
- سبحانی، جعفر (۱۳۶۲). الایمان و الکفر فی الکتب و السنه. قم: بی نا.
- شهیدی، مهدی (۱۳۹۱). حقوق مدنی. تهران: انتشارات مجد.
- صفایی، حسین (۱۳۹۲). حقوق مدنی. تهران: نشر میزان.
- صفی پور، عبدالرحیم (۱۲۹۶). منتهی الارب. تهران: دارالطباعه.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۳۸۴). القواعد و الفوائد. چاپ چهارم، قم: انتشارات دارالعلم.
- عاملی (شهید اول)، محمدبن مکی (۱۳۶۳). اللمعه الدمشقیه. چاپ چهارم، منشورات دارالناصر.
- فخر المحققین، محمدبن حسن (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح القواعد. قم: آل البیت.
- فاضل، مقدا (۱۳۸۴). کنز العرفان. بی جا: مکتب نوید اسلام.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۱). الکافی. تهران: مکتبه الصدوق.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). مبانی حقوق عمومی. تهران: نشر میزان.
- محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۶). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. نجف: مطبعة الاداب.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۹۱). قواعد فقه. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- موسوی خمینی، روح اله (۱۳۸۶). تحریر الوسیله. چاپ چهارم، قم: انتشارات دارالعلم.
- محقق حلّی، جعفر بن الحسن (۱۳۸۷). المختصر النافع فی فقه الامامیه. تهران: انتشارات اسدی.
- موسوی بجنوردی، محمد (۱۳۸۵). القواعد الفقیهیه. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.